



دانشکده ی ادبیات فارسی و زبان های خارجی
گروه زبان و ادبیات فارسی

رساله برای دریافت درجه دکتری (PH.D)

عنوان

بررسی جایگاه اصول مدیریت در ادب فارسی

(قابوسنامه ، سیاست نامه، کليلة و دمنه، اسکندرنامه، منطقالطير ، مرزباننامه، اخلاق

ناصری، بوستان و گلستان)

استاد راهنما

دکتر میر جلیل اکرمی

استادان مشاور

دکتر خلیل حدیدی، دکتر محمد مهدی پور

پژوهش و نگارش

کامران پاشایی فخری

تابستان ۱۳۹۰



تقدیم به استادان پرکشیده ام

دکتر عباسعلی رضایی در مقطع تحصیلی دکتری

دکتر عبدالامیر سلیم در مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد

دکتر لطفعلی بنان در مقطع تحصیلی کارشناسی

سپاسگزاری

... سپاس خدایی را که اول و آخر وجود است، بی آن که اولی بر او پیش بگیرد یا آخری پس از او باشد؛ خدایی که دست هر چشمی از دامن دیدارش کوتاه است و فهم هر کبوتر توصیف - گری از پرواز در آسمان و صفاش عاجز.

... و این بندهی کوچک خدا نیز به مصداق جملهی من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق بر خود فرض میدان د منتدار الطاف جناب آقای دکتر میرجلیل اکرمی، استاد راهنمایم باشم که خلوص درونی و همتشان دستی بود بر اوراق پراکندهی این رساله و تمام لحظاتی که به ساماندهی آنها وقت صرف کردند.

... به قاب میگیرم بر دیوار ذهنام، صلابت و پاکی استاد مشاور و راهنمای زندگیام ، جناب آقای دکتر خلیل حدیدی را که وجودشان تابلویی از ایمان و تکریم پاکیهاست.

... از دیگر استاد مشاور بزرگوارم جناب آقای دکتر محمد مهدیپور کمال امتنان دارم که همیشه در وجودشان آرامشی یافتم و صد البته در طی طریق یاریام کردند و کحل بینشام بودند.

چکیده

نام خانوادگی دانشجو: پاشایی فخری		نام : کامران
عنوان رساله : بررسی جایگاه اصول مدیریت در ادب فارسی (قابوس نامه، سیاست نامه، کلیله و دمنه، اسکندرنامه، منطق الطیر، مرزبان نامه، اخلاق ناصری، بوستان و گلستان)		
استاد راهنما : جناب آقای دکتر میر جلیل اکرمی		
استادان مشاور: جناب آقای دکتر خلیل حدیدی و جناب آقای دکتر محمد مهدیپور		
مقطع تحصیلی : دکتری	رشته: زبان و ادبیات فارسی	گرایش: محض
تعداد صفحه: ۳۸۶		تاریخ فارغالتحصیلی: ۱۳۹۰
کلید واژه‌ها: قرآن، ادبیات، مدیریت، ویژگی، اصول، برنامه‌ریزی، فرماندهی، هماهنگی، کنترل، نظارت، سازماندهی.		
<p>چکیده : در این جستار، نظریات مدیریتی هشت اندیشه‌مند بزرگ ادبیات ایران (۹ اثر) ، دیدگاه‌های قرآنی در خصوص مدیریت و ضرورت آن به همراه نظریه‌های دانشمندان علم مدیریت مورد بررسی و مذاقه قرار گرفته است. روش تحقیق در این رساله مبتنی بر تجزیه و تحلیل کیفی به شیوه تفسیری (Interpretive social science) و در برخی موارد نیز تطبیقی (Contrastive) میباشد . نگارنده در این پژوهش سعی کرده‌است با استفاده از منابع خام و اندک منابع پژوهشی مرتبط با موضوع تحقیق، مثالهایی را که لازمی درک پیام واقعی شاعران و ادیبان فارسی است، تبیین نماید .</p> <p>واضح است بخش قابل توجهی از محتوای آثار ادب فارسی را مطالب مربوط به جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و نقد شیوه‌های حکومتی تشکیل داده است و بیگمان بیان این موضوعات به ویژه در ادواری که مدیران ضعیف و خودرایی در مصدر کارها بوده‌اند ، چندان سهل و بی دردسر نبوده است .</p> <p>جامعه ایرانی همانند جوامع متمدن دیگر، ویژگی‌های خاص خود را دارد و از آنجا که مدیریت در هر جامعه رابطه مستقیمی با فرهنگ آن جامعه دارد لذا ضروری است که به منظور نهادینه کردن اصول مدیریت ایرانی، فرهنگ این جامعه را شناخت و یک سلسله قوانین مخصوص این جامعه را کشف کرد .</p> <p>بنابراین اعمال شیوه‌های مدیریت ، جز از طریق تفسیر و انطباق ادبیات با مقتضای احوال عصر و مطالبات اجتماعی میسر نخواهد بود و به قول نصرالله پورجوادی ، ادبیات فارسی ، گنجینه‌ای است که تقریباً همه فعالیت‌های عقلی و ذوقی ایرانیان را در خود جای داده است .^۱</p> <p>پژوهشگری که بخواهد در باره مدیریت، روانشناسی، جامعه‌شناسی، تاریخ و فلسفه تحقیق کند ولی آثار بزرگان ادب فارسی را نادیده بگیرد، در حقیقت خود را از فعالیتهای عقلی برگزیدگان یک ملت متفکر ، محروم ساخته است .</p> <p>شایان ذکر است که از آغاز دوره رنسانس (قرن ۱۶ میلادی) دانشمندان ، کلمه علم (science) را مترادف با دانستیهای آزمون پذیر و دانش (knowledge) را مجموعه‌های از آگاهیهای آزمون ناپذیر گفته‌اند .</p>		

۱- ، پور جوادی - نصرالله، بوی جان، نشر دانشگاهی ، ص ۳۸.

ولی در متون ادب فارسی « علم » به معنای وسیع کلمه شامل دانستنی های آزمون پذیر و آزمون ناپذیر است. دانستنی های مربوط به ریاضیات، طب، نجوم، همه نام علم و معرفت گرفته است و در کلیله و دمنه « علم مترادف با « معرفت » آمده است .

علم مدیریت مبتنی بر کشف چگونگی اعمال قوانین ، اصول ویژه حاکم بر انسان و درک امور شخصیتی آحاد مردمی است که به نحوی با او در ارتباطاند و با تکیه بر تکنیکها و ابزار لازم، گردونه تشکیلات و سازمان را به سمت هدف های مطلوب هدایت و رهبری می کند.

این رساله در شش فصل (۱- سیر تاریخی و تعریف علم مدیریت ۲- اصول، ماهیت، وظایف و روشهای مدیریت ۳- مدیریت از منظر قرآن کریم ۴- جلوههای مدیریت در آثار اندیشمندان اسلامی ۵- معرفی کتب مرجع رساله و ۶- بررسی دیدگاههای برخی نظریهپردازان علم مدیریت و تبیین نگرشهای ادیبان و شاعران ادب فارسی) تنظیم شده است .

آنچه از مطالعه این مجموعه و جمع بندی نگرشهای مطروحه از اندیشمندان برای یک خواننده منصف و آگاه محرز میشود این است که متون ادب فارسی، به عنوان آیینهای تمام نمای زندگی ایرانیان است. زندگی اجتماعی ملتی که در افقهای دور تاریخ، برای مدیریت جامعه ، تدبیرها داشتهاند و اجرای عدالت را یک ضرورت محسوب میکردند.

فهرست مطالب

پیش‌گفتار ۱۶

فصل یکم

سیر تاریخی و تعریف علم مدیریت

سیر تاریخی علم مدیریت ۱۸
تعریف مدیریت ۳۷

فصل دوم

اصول، ماهیت، وظایف و روشهای مدیریت

اصول، ماهیت و روشهای مدیریت ۳۹
اصول یا رهنمودهایی برای برنامه‌ریزی ۴۰
اصل مشارکتها در تعیین هدفها ۴۰
اصل هدفها ۴۱
اصل اولویت برنامه‌ریزی ۴۱
اصل کارآیی برنامهها ۴۱
اصل مفروضات برنامه ریزی ۴۱
اصل استراتژی و چارچوب سیاست ۴۱
اصل عامل محدودکننده ۴۲
اصل تعهد ۴۲
اصل انعطافپذیری ۴۲
اصل تعیین مسیر تغییرات ۴۲
اصول یا رهنمودهایی برای سازماندهی ۴۳
۱. اصل وحدت هدفها ۴۳
۲. اصل کارایی سازمان ۴۳
۳. اصل حوزه یا قلمرو مدیریت ۴۴
۴. اصل سلسله مراتب ۴۴
۵. اصل تفویض اختیار با توجه به نتیجه‌های مورد نظر ۴۴
۶. اصل قطعیت مسئولیت ۴۵
۷. اصل تناسب اختیارات با مسئولیت‌ها ۴۵
۸. اصل وحدت فرماندهی ۴۵
۹. اصل گستره اختیارات ۴۵
۱۰. اصل تعیین وظیفه ۴۵
۱۱. اصل توازن ۴۶
۱۲. اصل انعطاف‌پذیری ۴۶

۴۶	۱۳. اصل تناسب رهبری
۴۷	اصول یا رهنمودهایی برای تامین نیروی انسانی
۴۸	۱. اصل هدف تامین نیروی انسانی
۴۸	فرآیند تامین نیروی انسانی
۴۹	۱. اصل تعریف شغل
۴۹	۲. اصل ارزیابی مدیریت
۴۹	۳. اصل رقابت آزاد
۵۰	۴. اصل آموزش و توسعه مدیریت
۵۰	۵. اصل هدف آموزش
۵۰	۶. اصل توسعه مستمر
۵۰	اصول یا رهنمودهایی برای رهبری
۵۱	۱. اصل هماهنگی هدفها
۵۱	۲. اصل انگیزش
۵۱	۳. اصل رهبری
۵۱	۴. اصل روشن بودن سیستم ارتباطات
۵۱	۵. اصل یکپارچگی سیستم ارتباطات
۵۱	۶. اصل کاربرد سازمان غیررسمی به عنوان مکمل
۵۲	اصول یا رهنمودهایی برای کنترل و نظارت
۵۲	۱. اصل هدف کنترل
۵۳	۲. اصل تعیین مسیر کنترل در آینده
۵۳	۳. اصل مسئولیت کنترل
۵۳	۴. اصل کارایی کنترل
۵۴	۵. اصل جلوگیری از کنترل
۵۵	۶. اصل منعکس ساختن برنامه
۵۵	۷. اصل متناسب بودن ساختار سازمانی
۵۵	۸. اصل قابل درک بودن سیستم کنترل برای مدیر
۵۶	۹. اصل استانداردها
۵۶	۱۰. اصل کنترل در نقطه تعیین کننده
۵۶	۱۱. اصل تمرکز بر انحرافها
۵۷	۱۲. اصل انعطاف پذیری سیستم کنترل
۵۷	۱۳. اصل اقدام
۵۸	ماهیت، روشها و وظایف مدیریت از منظر نظریه پردازان
۶۰	روشهای مدیریت
۶۰	۱. روش تجربی یا مبتنی بر قضیه
۶۰	۲. روش مبتنی بر نقشهای مدیریت

۶۱	۳. روش موقعیتی یا اقتضایی.....
۶۲	۴. روش ریاضی یا علم مدیریت.....
۶۲	۵. روش مبتنی بر تئوری تصمیمگیری.....
۶۳	۶. روش مهندسی مجدد.....
۶۳	۷. روش سیستمی.....
۶۴	۸. دیدگاه مبتنی بر سیستمهای اجتماعی_ فنی.....
۶۴	۹. دیدگاه مبتنی بر سیستم همکاریهای اجتماعی.....
۶۵	۱۰. دیدگاه مبتنی بر رفتار گروه.....
۶۵	۱۱. دیدگاه مبتنی بر رفتار بین اشخاص.....
۶۵	۱۲. چارچوب S از مک کنیزی.....
۶۶	۱۳. دیدگاه مبتنی بر مدیریت با کیفیت کامل.....
۶۷	۱۴. دیدگاه مبتنی بر فرآیند مدیریت یا مدیریت عملیاتی.....

فصل سوم

مدیریت از منظر قرآن کریم

۶۹	مدیریت از منظر قرآن کریم.....
۷۳	ضرورت و هدف مدیریت از منظر قرآن کریم.....
۸۲	مدیریت و جایگاه انسان در قرآن کریم.....
۸۴	جایگاه و مفهوم امام در مدیریت قرآنی.....
۸۶	شایسته سالاری و ویژگیهای مدیر شایسته.....
۸۸	مدیریت بر قلبها.....
۹۱	آسیبهای مدیریت از منظر قرآن.....
۹۵	اصول مدیریت قرآنی.....
۹۵	۱. برنامه ریزی.....
۹۹	۲. تصمیم گیری و حل مسئله.....
۱۱۹	۳. سازماندهی و هماهنگی.....
۱۳۵	۴. هدایت و رهبری.....
۱۳۸	۵. کنترل و ارزیابی.....
۱۴۹	شاخصه های ارزیابی و ارزشیابی.....
۱۵۶	مدیریت منابع انسانی از منظر قرآن کریم.....

فصل چهارم

جلوه‌های مدیریت در آثار اندیشمندان اسلامی

- ۱۵۹.....جلوه‌های مدیریت در آثار اندیشمندان اسلامی
- ۱۶۰.....یعقوب کندی
- ۱۶۱.....عبدالله بن مقفع
- ۱۶۲.....ابوالعباس سرخسی
- ۱۶۳.....قاضی ابویوسف و ابوالحسن ماوردی
- ۱۶۳.....ابو زید بلخی
- ۱۶۴.....ابوعمر احمد بن محمد اندلسی (ابن عبد ربه)
- ۱۶۴.....ابوالحسن علی بن ربن طبری
- ۱۶۴.....محمد بن زکریای رازی
- ۱۶۵.....ابونصر فارابی
- ۱۶۶.....ابوالحسن عامری نیشابوری
- ۱۶۸.....ابوعثمان عمرو بن جاحظ
- ۱۶۹.....ابوعلی سینا
- ۱۶۹.....امام محمد غزالی
- ۱۷۲.....ابوعلی مسکویه
- ۱۷۳.....اخوان الصفا
- ۱۷۴.....شهاب‌الدین سهروردی
- ۱۷۵.....منتجب‌الدین بدیع‌علی بن احمد الکاتب اتابک جوینی
- ۱۷۵.....احمد بن عمر بن علی نظامی سمرقندی
- ۱۷۶.....محمد غازی ملطیوی
- ۱۷۷.....حکیم ابوالقاسم فردوسی
- ۱۷۹.....عبید زاکانی
- ۱۸۱.....شمس‌الدین محمد شهرزوری
- ۱۸۲.....صدرالمتألهین شیرازی
- ۱۸۳.....شیخ الطائفه ابوجعفر محمد بن حسن بن علی طوسی
- ۱۸۴.....ابوالقاسم جعفر بن الحسن (محقق حلّی)
- ۱۸۵.....علی بن الحسین بن عبدالعالی (محقق کرکی)
- ۱۸۶.....زین‌الدین بن نورالدین علی بن احمد عاملی (شهید ثانی)
- ۱۸۷.....احمد بن محمد اردبیلی (مقدس اردبیلی)
- ۱۸۸.....ملاحسن فیض کاشانی
- ۱۸۹.....محمدباقر سبزواری
- ۱۹۰.....محمدباقر مجلسی
- ۱۹۱.....آیت‌الله میرزا محمدحسین نائینی

۱۹۱	شیخ محمدحسن نجفی
۱۹۲	شیخ انصاری
۱۹۲	فقه‌های مخالف و موافق مشروطیت
۱۹۳	آیت‌الله بروجردی
۱۹۳	آیت‌الله روح‌الله الموسوی‌الخمینی (ره)

فصل پنجم

معرفی کتب مرجع رساله

۱۹۶	معرفی کتب مرجع رساله
۱۹۷	قابوسنامه عنصرالمعالی
۲۰۰	سیاستنامه خواجه نظام‌الملک توسی
۲۰۴	کلیله و دمنه
۲۰۵	اسکندرنامه نظامی
۲۰۶	منطق‌الطیر عطار نیشابوری
۲۰۸	مرزباننامه
۲۰۹	اخلاق ناصری
۲۱۴	بوستان سعدی
۲۱۷	گلستان سعدی

فصل ششم

بررسی دیدگاه‌های برخی نظریه‌پردازان علم مدیریت

و تبیین نگرش‌های ادیبان و شاعران ادب فارسی

۲۲۱	بررسی دیدگاه‌های برخی نظریه‌پردازان علم مدیریت و تبیین نگرش‌های ادیبان و شاعران ادب فارسی
۲۲۳	ویژگی‌های مدیران و اصول مدیریت
۲۲۴	اصل هدایت و رهبری
۲۴۵	اطاعت از خدا
۲۴۷	اندیشه اصلاح جامعه
۲۴۹	راضی بودن به رضای الهی
۲۴۹	پرهیزگاری و پارسایی
۲۵۰	بخشایش
۲۵۲	فانی دانستن دنیا
۲۵۳	خوارداشت ملک و جاه
۲۵۴	ارج نهادن به عرفان
۲۵۶	صدور احکام بر اساس اوامر الهی
۲۵۶	خدا ترسی

۲۵۷	شکرگزاری
۲۵۸	دین پژوهشی
۲۶۰	جوانمرد، خوش خلق و بخشنده بودن
۲۶۲	صبر و فروتنی
۲۶۴	کبر نوزیدن و کنترل خشم
۲۶۴	مبارزه با هوئیهای نفسانی و مادی گرایی
۲۶۶	پرهیز از تجملات
۲۶۷	الگو برداری از بزرگان (Benchmarking)
۲۶۸	مقبولیت مردمی
۲۶۹	راستگفتاری، راستکرداری و خردمندی
۲۷۰	امانت داری
۲۷۰	بخشنده گی
۲۷۱	بلند نظری
۲۷۲	اصل و نسب داشتن
۲۷۳	اصل برنامه ریزی
۲۷۴	مشاورت با دانایان
۲۷۵	تدبیر و عاقبتنگری
۲۷۶	مقابله با شایعه پراکنان
۲۷۷	غنیمت شمردن فرصتها
۲۷۷	احتراز از آموزش فرومایگان
۲۷۷	احتراز از تربیت ناهلان
۲۷۸	نکوداشت علما و هنرمندان
۲۷۹	ترویج شایسته سالاری
۲۸۳	بهرهمندی از وزرای دیندار و دانا
۲۸۵	رعایت حال عزلشدگان
۲۸۷	رفتار مناسب با سپاهیان
۲۸۷	دل دشمن آینه عیب نماست
۲۸۹	مدارا با دشمن
۲۹۰	حفظ آبروی دشمن
۲۹۰	دعای ضعیفان، عامل قدرت سپاهیان
۲۹۰	مجازات فراریان از جنگ
۲۹۱	چگونگی عتاب گناهکاران
۲۹۲	دوری از بزم هنگام رزم
۲۹۲	برقراری صلح و آشتی

۲۹۳	آزرده نکردن دشمن بعد از پیروزی
۲۹۳	مراقبت از اطرافیان پس از پیروزی
۲۹۴	توجه به مردم سرزمین‌های فتح شده
۲۹۴	هراس نداشتن در جنگ با دشمن
۲۹۵	شیوهی جنگ همزمان با دو دشمن
۲۹۶	اجرای کارهای بزرگ

۲۹۷ اصول سازماندهی و هماهنگی

۲۹۷	بالندگی سازمانی
۲۹۸	دادگستری و ظلم ستیزی
۳۰۱	خدمت و مدارا کردن با مردم
۳۰۲	حمایت از مستضعفان
۳۰۳	توجه به زیردستان
۳۰۵	رعایت حقوق مردم
۳۰۹	گرهگشایی از کار مردم
۳۱۰	فقر زدایی
۳۱۱	ظلم، عامل زوال نظام
۳۱۲	نارضایتی موجب دوری مردم
۳۱۲	مبارزه با ظلم و فساد
۳۱۶	ایجاد امنیت اجتماعی
۳۱۷	تجاوز نکردن به ملل دیگر
۳۱۷	مبارزه با ستمگران و مستکبران
۳۱۹	میدان ندادن به دون‌صفتان
۳۱۹	توجه به حال اسیران و زندانیان
۳۲۰	مراقبت از یتیمان
۳۲۰	حفظ حقوق میراث‌خواران
۳۲۱	فراهم نمودن آسایش بازرگانان و میهمانان
۳۲۲	چگونگی انتخاب لشکریان
۳۲۲	دخالت ندادن سپاهیان در امور رعیت
۳۲۲	گسترش رفاه عمومی
۳۲۳	ایجاد اتحاد و همدلی
۳۲۴	دشمن شناسی
۳۲۶	افزودن دوستان و امان دادن به دشمنان
۳۲۶	بیم داشتن از آنها که می‌ترسند
۳۲۷	کرم با دشمن و تساهل با دوست

۳۲۸.....	دقت در انتصاب وکلای خاص
۳۲۸.....	دقت در انتخاب ندیمان
۳۲۹.....	حفظ جایگاهها.....
۳۲۹.....	حمایت از کارگزاران.....
۳۳۰.....	نوازش فرمانبران.....
۳۳۱.....	تشویق خدمتکاران شایسته.....
۳۳۱.....	بخشش به سپاهیان.....
۳۳۱.....	به خدمت نگماشتن لشکریان عاصی.....
۳۳۲.....	چگونگی آرایش نظامی.....
۳۳۴.....	نیکویی با لشکریان.....
۳۳۴.....	سپاس از لشکریان جانباز.....
۳۳۵.....	چگونگی تشویق لشکریان.....
۳۳۶.....	استفاده از جنگاوران دلاور.....
۳۳۷.....	داشتن مدیریت مالی.....

۳۳۹..... **اصل کنترل و نظارت**

۳۳۹.....	نظارت بر اعمال وزرا.....
۳۴۰.....	نظارت بر احوال کارداران.....
۳۴۰.....	نظارت بر اعمال فرمانداران.....
۳۴۱.....	نظارت بر احوال مقطعان.....
۳۴۲.....	نظارت بر کار قاضیان.....
۳۴۲.....	نظارت بر احوال رعیت و لشکر.....
۳۴۴.....	نظارت بر کار ماموران مالیاتی.....
۳۴۴.....	نظارت بر کار پاسبانان.....
۳۴۵.....	نظارت بر احوال رسولان.....
۳۴۶.....	نظارت بر کار جاسوسان.....
۳۴۷.....	دقت در احوال بدمذهبان و منافقان.....
۳۴۸.....	نظارت بر اجرای فرمانها.....
۳۴۹.....	حفظ اسرار مملکتی.....

۳۵۰..... **توصیه های مدیریتی ادبا**

۳۵۳.....	نتایج و پیشنهادهای
۳۵۷.....	فهرست آیات قرآنی
۳۶۴.....	منابع و مأخذ فارسی
۳۷۴.....	کتابنامه لاتین

پیشگفتار

پیشگفتار

به هندوستان اصلی شو برای مردم معنی به چین صورتی تا کی پی مردم گیا رفتن (خاقانی)
گنجینه‌ی انسانی هر اجتماع، بزرگترین سرمایه‌ی آن است، این سرمایه‌های انسانی، همواره نیازمند مدیریت، رهبری، اکتشاف و استخراج است. بشر بر عکس حیوانات که مجهز به نیروی خودکار غریزه است، در هدایت نیازمند به تحصیل و اکتساب و به عبارت دیگر به رهبری و راهنمایی محتاج است. انسانها و حیات روحی آنها دارای قوانین و مکانیسمها و فعل و انفعالات اختصاصیاند، اگر بخواهیم با آنها تعامل مثبت داشته باشیم باید قوانین حاکم بر رفتار بشر را خوب بشناسیم و کلید و رمز شخصیتیشان را به دست آوریم.

گشودن کتاب روح و جلب همکاریشان بیش از هر چیز، آگاهی و ظرافت میخواهد نه زور؛ قوانین رفتار انسانی را باید مانند قوانین فیزیک، شیمی و فیزیولوژی کشف کرد نه وضع.

... و علم مدیریت مبتنی بر کشف چگونگی اعمال قوانین، اصول ویژه حاکم بر انسان و درک امور شخصیتی آحاد مردمی است که به نحوی با او در ارتباطاند و با تکیه بر تکنیکها و ابزار لازم، گردونه‌ی تشکیلات و سازمان را به سمت هدفهای مطلوب هدایت و رهبری میکنند.

همچنین در متون دینی، الگوی مدیریت، رسالت انبیاست و هدف اساسی در مدیریت علمی نیز نمیتواند بیگانه و نامربوط به هدف اصلی رسالتها باشد که این مهم به زیبایی تمام در متون ادب فارسی انعکاس و نمود پیدا کرده است.

یکی از شگفتیهای اقلیم ادب پارسی این است که تاکنون دهها هزار کتاب و مقاله در باب اندیشه‌های بزرگان این کهن سرزمین به صورت و معنی آمده و می‌آید و هر یک به نوعی با شمع رخسار آنان عشق میبازد ولی همچنان نشان کامل میخانهایشان چون راه گنج از دید صورتپرستان مستور مانده است.

رفقیان چشم ظاهرین بدوزید که ما را در میان سری است مکتوم

همه عالم گر این صورت ببینند کس این معنی نخواهد کرد معلوم (سعدی)

جامعه‌ی ایرانی همانند جوامع متمدن دیگر، ویژگیهای خاص خود را داراست و از آنجا که مدیریت در هر جامعه، رابطه‌ی مستقیمی با فرهنگ آن جامعه دارد، ضروری است که برای نهادینه کردن اصول مدیریت ایرانی، فرهنگ آن را بشناسیم و یک سلسله قوانین مخصوصش را کشف کنیم.

پر واضح است اعمال شیوه‌های مدیریت، جزء از طریق تفسیر و انطباق ادبیات با مقتضای احوال عصر و مطالبات اجتماعی میسر نخواهد بود و موشکافی در متون ادبیات پارسی به عنوان گنجینه‌ی فعالیت‌های عقلی و ذوقی ایرانیان، قطعاً این امکان را میسر میکند که در تبیین برنامه‌های استراتژیک این ملت کمتر به خطا روییم.

پژوهشگری که بخواهد درباره‌ی مدیریت، روانشناسی، جامعه‌شناسی، تاریخ و فلسفه تحقیق کند ولی آثار بزرگان ادب پارسی را نادیده بگیرد، در حقیقت خود را از فعالیت‌های عقلی برگزیدگان یک ملت متفکر و هوشمند محروم ساخته است.

این حقیقت که به متون ادبیات فارسی، غالباً غیرعلمی نگاه شده و انس علمی و شناختی این هنر آبی در ادوار تاریخی، کمتر مورد عنایت جانهای تشنه‌ی معرفت بوده است، بر هیچ اندیشه‌مندی مکتوم نیست. القصه نگارنده‌ی این رساله سعی کرده است گوشه‌هایی از این در مکنون را در حد وسع و توان خود از منظر مدیریتی به پیشگاه اربابان علم و فضل عرضه دارد به امید آن که اکسیرسازان عصر روشنایی این فلز کم بها را به زر ناب بدل کنند تا ادبیات پارسی از رکودی که سالهاست با آن دست به گریبان است، رهایی یابد.

پوشیده نیست خلق هر کار جدیدی، با فراز و فرودهای بسیار توأم است، نگارنده نیز با شوق درونی، ناملايمات طریقت را با همراهی پیشوایانی عالم به جان دوستتر داشته تا بخشی از این آیینی جهانی علم و دانش (ادبیات فارسی) هر چه افزونتر بر ادب‌دوستان مکشوف شود. متون ۹گانه‌ی ادب پارسی به همراه آیات نورانی قرآن کریم در این رساله از منظر مدیریتی مورد مذاقه، تبیین و تحلیل قرار گرفته است ولی بیگمان، تفاوت و تشابه نگرشی هر یک از نظریه‌پردازان ایرانی و غیرایرانی، واقعیت‌های انکارناپذیری چون زاویه‌ی دید، مقتضای زمان و مکان و ایدئولوژی مخصوص آنان را بیشتر مینمایاند.

باغ بیخزان شهسوارانی چون سعدی، خواجه نظامالملک، قابوس بن وشمگیر، خواجه نصیرالدین توسی، عطار نیشابوری، نظامی گنجه‌ای و نویسندگان فکور مرزبانانما و کلیله و دمنه، هر چند از برخی جنبه‌ها به علم مدیریت پرداخته لکن دانشگاهی ساخته‌اند که طالب را بر حسب مراتب بینش و استعداد از صورت تا معنا راهنمایی میکنند.

تدوین این رساله، فراتر از ایجاب دانشگاهی در واقع عمل به توصیه‌ی حضرت مولانا برای **دمیدن روحی نو در قالب حرف کهن** فرهنگ ما نیز است. همان فرهنگی که اکنون آماج انواع تطاولهاست و به مدیران ما القاء میکند و تا حدی باورانده است که خود قورباغه‌های نداریم که قورت دهیم! آری ملت قدیمی ایران مشکلی دارند و آن قدیمی بودن است تا با حسرت بگویند: خوشا به حال نورسیدگان علم! این رساله، تلاشی ناچیز و همتی دلسوزانه در راه نشان دادن ظرفیت الهام بخش علم و دانش ایرانی است ولی هرگز نمیتوان ادعا کرد که واری اثری به تمام و کمال معنای آن راه مییابد بلکه نکات عمیقتری را برای بررسی آیندگان، ناخواسته باقی میگذارد.

همه سوز ناتمام، همه درد و آرزویم به گمان دهم یقین را که شهید جستجویم

کامران پاشایی فخری

تابستان ۱۳۹۰

فصل یکم
سیر تاریخی و
تعریف علم مدیریت

سیر تاریخی و تعریف علم مدیریت^۱

شاید نتوان به صورتی دقیق تاریخی را به عنوان آغاز اندیشه‌ی جدی درباره‌ی این که سازمان‌ها چگونه کار میکنند و چگونه باید ساختار بیابند و اداره شوند، مشخص کرد. البته می‌توان به نوشته‌هایی که در زمینه‌ی مدیریت و سازمان تحریر شده است مراجعه کرد که در آن صورت منشاء این اندیشه به پیشینه‌ی بازرگانی، تجارت و سوداگری می‌رسد.

با بررسی نخستین سازمان‌هایی که به وسیله‌ی مسلمانان، یهودیان، یونانیان و رومی‌ها تشکیل گردید، می‌توان در این باره مطالب ارزنده‌ای آموخت. در این خصوص می‌توان مدارکی ارائه کرد مبنی بر این که ریشه‌ی دانسته‌های ما از تئوری سازمان در سده‌های میانی و عهد باستان منشاء می‌گیرد. با وجود این، ارسطو نخستین کسی بود که درباره‌ی اهمیت فرهنگ در نظام‌های مدیریت مطالبی نوشت. «ابن تیمیه» برای برشمردن اصول اداری در درون سازمان‌های اسلامی از روش علمی استفاده کرد و «ماکیاولی» در تجزیه و تحلیل نهایی و قطعی خود، توانست شیوه‌ی استفاده از قدرت را به دنیا بشناساند.

می‌گویند سقراط یک روز در حالی با «نی‌کوماشیدز»^۲ روبه‌رو شد که از مجلس انتخاب فرماندهان

بازمی‌گشت. او پرسید: «نی‌کوماشیدز! چه کسانی به عنوان فرمانده انتخاب شدند؟»

او پاسخ داد: «جناب سقراط، مردم آتن مثل گذشته عمل نمی‌کنند، آن‌ها مرا که سال‌ها در ارتش و در امور کشوری خدمات ارزنده‌ای داشتم و دیرزمانی است که خود را نامزد چنین پستی کرده‌ام، انتخاب نکردند، من زخم‌های زیادی در جنگ‌ها از دست دشمن خورده‌ام (سپس خرقه‌اش را کنار کشید تا آثار زخم را نشان

1- مطالب این فصل که به پیشنهاد استاد محترم راهنما گردآوری شده است مستخرج از ترجمه ۱۱ منبع لاتین و خلاصه کتاب تئوریهای سازمان نوشته جی.ام. شفریتز و جی. استیون اوت صفحات ۴۳ تا ۶۰ میباشد که در پایان رساله در بخش منابع و مأخذ ذکر گردیده است.

2-Nicomachides

دهد)، ولی آن‌ها «آنتیس تنیز»¹ را انتخاب کردند که هیچ‌گاه در نیروی نظامی و توپخانه‌ی سنگین خدمت نکرده است و در گروه شوالیه‌ها (نظامیان عیار) نبوده است و هیچ راهی جز راه پول درآوردن نمی‌شناسد.»

سقراط گفت: «آیا این خبر بدان معنی نیست که او می‌تواند اقلام مورد نیاز سپاهیان را تأمین کند و به آن -
ها برساند؟»

نی‌کوماشیدز پاسخ داد: «ولی سوداگران تنها راه جمع‌آوری پول را می‌دانند و اگر از این دیدگاه نگاه کنیم، نمی‌توانند ارتش را رهبری کنند.»

سقراط ادامه داد: «ولی به آنتیس تنیز این امکان داده شده است تا رقابت کند، یعنی همان چیزی که برای یک فرمانده ارتش لازم است. آیا می‌دانید هنگامی که او یک گروه آوازخوان را اداره می‌کرد، توانست در بین همه‌ی رهبران بیشتر بدرخشد؟»

نی‌کوماشیدز پاسخ داد: «ولی به خدا قسم اداره‌ی یک گروه آوازخوان با اداره‌ی ارتش تفاوت زیادی دارد.»

سقراط گفت: «اگر چه آنتیس تنیز در موسیقی یا در آموزش آوازهای گروهی هیچ مهارتی ندارد، ولی می‌تواند برای این کارها بهترین استادان را انتخاب کند.»

نی‌کوماشیدز فریاد زد: «پس در ارتش هم او می‌تواند افرادی را پیدا کند تا سپاهیان را نظم دهند و کسانی هم بیابند که برای او بجنگند.»

سقراط به حرف خود ادامه داد: «بسیار خوب اگر او بتواند برای کارهای ارتش بهترین افراد را شناسایی و انتخاب کند، درست به همان گونه که در رهبری گروه‌های آوازخوان کرد، احتمالاً می‌تواند در این زمینه هم به موفقیت‌هایی دست یابد و شاید تمایل زیادی داشته باشد که از جانب کشور پول زیادی در راه پیروزی در جنگ خرج کند و ناگزیر نخواهد بود که برای پیروزی یک دسته از آوازخوانان، از طرف یک قبیله خاص، برای پیروزی تلاش نماید.»

1 - Antisthenes